



دیدار بنفشه زار را باور کن
بیداری جویدار را باور کن
بر شاخ شادمان گلبرگ دخت
گسترده گی بهار را باور کن

رضا مقصدی

دستت را سبز می خواهم، دلت را نیز،
جانت را آبی می خواهم، عشقت را نیز،
جهانت را سپید می خواهم، آرزویت را نیز،
بهار را بذر افشانِ سرزمین خویش،
دست و دل و جان و جهانت را سلام می گویم
که نوروز را به جشن نشسته یی،
ایرانِ جانت گل افشان باد

بگشا! بگشا! دریچه ها را بگشا!
بر خاطره ها دریچه ها را بگشا!
با تو دل من، هوای دیگر دارد
شادی مرا دریچه ها را بگشا!
* * *

بگذار بهار از تو آغاز شود
آواز خجسته ی تو، پرواز شود
ای عاطفه ی شکفته، ما را بنواز!
زیباست هر آن چه با تو دمساز شود
* * *

سودا زده ام، دوباره بشناس مرا
سرشار کن از ترانه ی یاس مرا
هیپات، چه دور ماندم از شور حیات
باز آ و ببر به سمت گیلان مرا
* * *

از پونه، پیام آشنا می آید
عطر علف از عاطفه ها می آید
خیزید و به روی عاشقان، گل ریزید!
ای منتظران! بهار ما می آید
* * *

در صبح شکوفه، در برت می خواهم
شبم زده و تازه ترت می خواهم
آن دم که به ساحل تو نزدیک ترم
دریا - دریا بیشترت می خواهم
* * *

برخیز و بیفشان و بیاران ما را
سبز است ترانه ی بهاران، ما را
ای شعله ی هر شکفته، ای آتش عشق!
برخیز و برانگیز و بسوزان ما را!